

پیداری

نشریه‌ی کانون فرهنگی خرافه زدایی

شماره ۲۶ - سال پنجم - اردیبهشت ۲۷۱۶ ایرانی

می ۲۰۰۷ میلادی - ۱۳۸۶ عربی

اگر شمر و ابن ملجم و یزید

نبودند آخوندهای شیعه

چه خاکی بر سر

می کردند

نفرت و تکبت قرآن

تمام کشورهای اسلامی را

فراگرفته و آنها را به روز

سیاه نشانده است

مردمانی که یک «سالنما»ی ملی ندارند ملت تشکیل نمی‌دهند. ننگ از این سنگینتر که تاریخ اسبابکشی فردی را از این شهر به آن شهر در حجاز مبداء تاریخ خود بدانیم؟ آنهم فردی که در کتاب «آسمانی!» اش الله موهوم را دشمن ایران و ایرانی معرفی کرده است. کاظم ملک

دکتر م. مهر آسا

بررسی و تأملی در سه کتاب آسمانی نام!

این روزها چند جزوه‌ی کوچک در وصف و تبیین آئین اسلام که از سوی مبلغان دین و مؤیدین خرافات در آمریکا چاپ و منتشر شده‌اند... به نام های: «قرآن و خشونت - اسلامی که من شناختم - هدف دین و وظیفه مسلمانان و...» به دستم رسیده است که هرچند رغبت خواندن این گونه نوشته های یک نواخت را ندارم، آنها را خواندم. خوشبختانه این جزوه ها چنان بی محتوا و مغلطه آسيزاند و چنان نویسندگان با سفسطه و آرایش و پیرایش در صدد ترمیم نقائص دین برآمده‌اند، که باید گفت نوشته هایش آفتابی است دلیل آفتاب! تلاش این مبلغین در راه نشر خرافه و کذب، ما را وامیدارد تا به بُنمایه‌ی ادیان یعنی کتابهایی که لقب آسمانی گرفته‌اند بپردازیم.

این مبلغان گرامی که همه با عنوان های دکتر و مهندس و استاد، در تبلیغ دین و آیین اسلام شناسی و اعتقاد به لاهوت و اوهام، طعنه به آیت‌الله و حجت‌الاسلام های معمم میزنند، گویا این همه رادیو، تلویزیون، خطبه های نماز جمعه، منبر و رواق و حتا متجاوز از ۳۰۰ سایت اینترنتی را که مروج دین و شستشوگر مغز جوانان شده‌اند کافی به مقصود ندانسته و برای نگهداشت خرافات و حمایت از موهومات، کمر همت بسته‌اند تا با پدیده‌ی خجسته‌ی نفرت از دین که بین جوان و پیر و میانسال به شدت رایج شده است، مقابله و مبارزه کنند. ۱۳۸۶

دکتر کاظم ودیعی

نگاه انجیل به زن - شقاوت و نفرین در همین کتاب

زن ملعبه‌ی دین در انجیل متی آمده است، صدوقیان که منکر رستاخیز مُردگان‌اند، پیش عیسی آمدند و از او سؤال کردند:

«ای استاد، موسی گفته است هرگاه شخصی بدون اولاد بمیرد، برادرش با زن او ازدواج کند و برای او فرزندان بوجود آورد. باری در بین ما هفت برادر بودند اولی ازدواج کرد و قبل از آنکه دارای فرزندی شود مُرد. زوجه او به برادرش واگذار شد. همینطور دومی و سومی تا هفتمی با آن زن ازدواج کردند و بدون اولاد مُردند. آن زن هم بعد از همه مُرد. پس در روز قیامت آن زن همسر کدام یک از آنها خواهد بود زیرا همه آنها با وی ازدواج کرده بودند؟»

عیسی جواب داد: شما در اشتباهید نه از کلام خدا چیزی میدانید نه از قدرت او. در روز رستاخیز کسی نه زن می‌گیرد و نه شوهر می‌کند. بلکه همه در آن عالم مانند فرشتگان آسمانی اند.

.... مردم از تعالیم او، مات و مبهوت شدند

براستی این زن چرا همه جا و تقریباً در همه ادیان بزرگ و کوچک ملعبه دست حکم اوران و قانون گذاران دینی است. نه در این دنیا و نه در آن دنیا از شر آنها در امان نیست. مانده در صفحه‌ی ۴

کافی نیست که آدمی فقط ختنه شود تا مسلمان باشد، باید بکلی اخته شود، یعنی از هر نوع

اندیشه و ابتکار انسانی آزاد و بی بهره، و به عبد و عبید آنها تبدیل گردد. حسین ملک

امروز دین ها عموماً، و اسلام به طور خاص، معما و یا پدیده‌ای ناشناخته مانند گذشته ها نیستند و جنبه معما ندارند درگذشته دین اسلام برای ما ایرانیان - وکلاً غیر عرب ها به سبب ناآگاهی به زبان عربی، به صورت معضلی جلوه می‌کرد، و تنها عمامه برسران - به ادعای خود - از آن آگاهی داشتند و دیگر کسان برهائی مطیعی می‌بایست می‌بودند که اراجیف آخوند را گوش کنند، بپذیرند و به کار بندند. با وجود این، امروز نیز کسانی هستند که خارج از طبقه آخوند مدعی و مروج اسلام بوده و خود را دین شناس و اسلام شناس معرفی می‌کنند و در این زمینه کتاب و جزوه هم به چاپ می‌سپارند. اما نتیجه کار نشان داده است که تلاششان بیهوده است و تنها زحمت خود میدارند. برملا شدن ذات و گوهر دین به سبب ظهور حکومت اسلامی در ایران و کار کرد فقیه و حکومت فقیهان در مقطع کنونی، و رغبت مردم به آگاهی از متن کتابهای مشهور به آسمانی مانند تورات و انجیل و قرآن و دقت در ماهیت دین و آشنایی با دیگر تبعات مذاهب توسط نوجوانان و جوانان، و فزون بر آن، واکنشهای بهیمة‌ای توسط مسلمانان قشری در برابر پدیده ها و روند زندگی در جهان، انگیزه هایی شده اند که روز به روز بر شمار رمیدگان و جدا شدگان از دین افزوده شود. هم اکنون، دین گریزی سکه ی رایج زمان ایرانیان شده است.

به همین علت، غیر از دکترها و مهندسان بنگاه های مروج دین و ایمان، مدتهاست یک عدد آیت‌الله نیز با عبا و عمامه‌ی سیاه در برنامه‌ی تلویزیونی اش مرتب گرد و خاک می‌کند تا گریختگان از باور به مقولات لاهوت را دوباره به دین راغب سازد. از همه پُر شتاب تر دکتر حسین نصر مشهور است که استاد دانشگاه و مبدع نمازخانه در دانشگاه های ایران در رژیم گذشته بود و ریاست گروه فلسفه اسلامی دربار و فرح پهلوی را بر عهده داشت و چندین شغل دیگر را یدک می‌کشید.

این دردمندان دین! با استفاده از نشریات و تلویزیون و رادیو، مرتب به صورت درس و موعظه در تکاپوی تبلیغ آئین حنیفند. با وجود این همه تلاش، هرچندگاه جزوه ها و نشریاتی را نیز چاپ و پخش می‌کنند تا به زعم خود اثر زهری را که فقیهان اسلام در کام مردم چکانده‌اند خنثی کنند و تأثیر سخنان و دیدگاه های ما را بزدایند. شگفت اینجاست که با وجود این همه تلاش و تبلیغ، این ذره تلاش ما را بر نمی‌تابند و ضمن ابراز ناخوشنودی، کار ما را در بیان حقایق، توهین به باور مردم فریاد میزنند؛ و مدعی‌اند که نقد هر چیزی ممکن است مگر دین و مقولات آسمانی. به سخنی روشن‌تر، از دید این دینمداران، ایراد بر هرچیز نامش انتقاد است، اما ایراد بر دین توهین نام دارد. این مبلغان براین گمانند که دین تنها و تنها باید تبلیغ شود و از هرگونه نقد و بررسی دور باشد و هیچ کس آن توان و جرئت را نیابد که مسائل لاهوت را رد و نفی کند...

آقای بختیاری نژاد در جزوه تألیف خویش به نام «هدف دین و وظیفه مسلمان واقعی» در صفحه ۳۷ سطر ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ می‌نویسد: «مسلمان واقعی به جای خواندن داستان ها و اخبار روز که فردا کهنه می‌شود، در باره دین و راهکار شغل و حرفه خود مطالعه و

تحقیق می‌کند تا هر دو وظیفه خود را به بهترین طرز انجام دهد!!» به کسی که خود را محقق دین معرفی می‌کند و در صدد تنویر افکار برحسب دستورهای دین است و می‌خواهد با دین دنیای بهتری بسازد، در برابر این جفنگ گوئی چه باید گفت؟ تأمل کنید در این طرز اندیشه: مسلمان واقعی به جای خواندن داستان و اخبار روز باید قرآن بخواند و مرتب در باره‌ی دینش تحقیق کند!

خوب حضرت!

مسلمان این همه در باره دین تحقیق کند تا چه بشود و به کجا برسد. آیا چهارده قرن تحقیق در باره‌ی هیچ، کافی نیست؟ مسلمان اخبار میهن و پیرامونش را گوش ندهد و نخواند؛ مسلمان کتابهای ادبی مانند رمان و داستان را از دایره مطالعه به دور اندازد؛ شعر هم طبق قرآن و سوره شعرایش کفر است. آری مسلمان باید فقط و فقط قرآن بخواند تا همچنان نادان و عقب مانده باقی بماند... این است توصیه‌ی دینمداران محترم...

بزرگواری که برای پیشگیری از مرگ دین کمر همت بسته‌اید! بفرمائید تفاوت شما با آخوند ها چیست؟ آخوند هم به مردم می‌گوید به جای خواندن هر کتابی، قرآن بخوانید - تا چه بشود معلوم نیست!... در سال ۱۳۷۱ که هنوز چنین ممنوع‌الورود به میهن نبودم، در سفری به ایران، در مراسم ختم زنده یاد حسن کامکار پدر برادران موسیقی دان کامکارها شرکت کردم. آخوندی که مراسم ختم را انجام میداد و معلوم شد خود مسجد او را تعیین کرده است تا مطابق زمان سخن گوید، بر همین قیاس حرف میزد. چون مجلس مربوط به مرگ یک موسیقی دان بود و تمام هنرمندان موزیک شرکت کرده بودند، آخوند در تحریم غنا و موزیک داد سخن داد و به آنجا رسید که: «ای کسانی که صوت خوش دارید، به جای خواندن آواز، قرآن تلاوت کنید...!» بعد چون همیشه که مرسوم آخوندها است، از امامان و معصومین هم تأیید گرفت و گفت: روزی حضرت امیر از جانی عبور می‌فرمود، آوازی بسیار خوش به گوشش رسید به سراغ صاحب صوت رفت؛ دید جوانی است و در گوشه‌ای نشسته است به او گفت: «ای جوان این صوت خوش را خدا به تو نداده که با آن آواز بخوانی؛ تو باید با آن قرآن تلاوت کنی و...» من تعیین واژه‌ای را که در وصف صاحبان چنین اندیشه‌ای باید به کار برد، به خود خوانندگان می‌سپارم.

این حضرات با چنین طرز تفکر، در تلاشند تا با آرایش و پیرایش های بی مایه و بی فایده، عقاید کهنه و پوسیده‌ی مردمان هزاران سال پیش را زنده و به مردم حقیقه کنند؛ و یا به زعم خودشان جلو سقوط دین را بگیرند. غافل از اینکه دانش و تکنولوژی، مجالی و جایی برای اوهام و ایهام باقی نگذاشته است.

این بزرگواران نمی‌دانند که اگر کار ما یعنی نقد هر ادعا، توهین به باور است، تبلیغ و مبارزات آنها نیز توهین به باور ما است! ما براین باوریم که جهان مادی است... ولی آنها معتقدند که جهان روحانی است. ما می‌گوئیم ماده ازلی و ابدی بوده و کائنات در طی مراحل در زمانی

با دستاورد های دانش بشر، فقط خنده و استهزای خواننده را بر می‌انگیزد، و نشانی است از نادانی، خامی و بی‌مایگی نویسنده، و مطابق است با فهم مردم در بیش از سه هزار سال پیش.

انجیل نیز رونوشت تورات است با چهارگونه سخن به‌اضافه‌ی مقداری کلام خطابی که به عیسی منسوب می‌کنند؛ در حالی که همانند کتاب «نهج‌البلاغه» که سخن علی نیست، انجیل نیز سخن عیسی نمی‌تواند باشد و سخن همان چهار نفری است که به حواریون عیسی شهره‌اند.

عجیب است همچنانکه تورات موسای نوزاد را به خاطر تصمیم فرعون در نابودی نوزادان درون سبده‌ی بر روی نیل رهسپار مصر می‌کند، انجیل هم عیسی را از ترس کشتن نوزاد به دست پادشاهی به نام «هیرودیس» روانه‌ی مصر کرده و همان سرنوشت را برای عیسی رقم می‌زند! (آیه ۱ و ۲ باب سوم انجیل متی)

این کتاب نیز هیچ نکته و نقطه‌ی قابل اهمیت و تأملی ندارد بلکه همان مطالب نامفهوم و بی‌معنی تورات را تکرار می‌کند؛ و من در شگفتم که کشیشان مسیحی چگونه روزهای یکشنبه با اشاره به محتوای آن، ساعت‌ها برای پیروان مسیح از روی آن وعظ می‌کنند و یاوه می‌بافند؟! اما بررسی محتوای قرآن... از شماره آینده.

آیا این اطلاعیه شما را غمگین نمی‌کند؟

اطلاعیه - بنیاد غیر انتفاعی هجرت به‌عنوان یک سازمان خیریه و موقوفی از سال ۲۰۰۰ فعالیت خود را در ایالت کالیفرنیا آغاز نموده و بیش از چند سال است که در راستای نشر معارف اسلامی در میان ایرانیان مقیم امریکا و معرفی فرهنگ، هنر و تمدن کشور بزرگ ایران اسلامی فعالیت می‌نماید. این بنیاد اخیراً بحمدالله با عنایت حضرت حق و لطف ائمه اطهار و کمک انسانهای خیر و فرهنگ دوست اقدام به خرید یک مکان جهت تأسیس مسجدالنبی به مبلغ یک میلیون و چهارصد هزار دلار (۱۴۰۰۰۰۰) نموده است. بدینوسیله از مردم خیر برای افتتاح این مسجد دعوت بعمل می‌آید. در این برنامه ابتدا چند تن از مسئولین سخنرانی نموده سپس برنامه توسط مداحان اهل بیت ادامه یافته و با صرف شام پایان می‌پذیرد. هیأت امنای مسجد آل نبی

بیداری - این یکی از همان مساجدی است که نوشتیم برای چندمین بار ظرف یکی دو ساعت چند صد هزار دلار از ایرانیانی که به مسجد آمده بودند جمع‌آوری کرد (با کمک هایی که به بیداری می‌شود مقایسه کنید) و معلوم نیست در این مراکز اسلامی چگونه فرهنگ و هنر و تمدن کشور بزرگ ایران را معرفی می‌کنند، در صورتی که عملاً هرچه در این مکانها یادآوری می‌شود از اسلام است و حسن و حسین، کوچکترین یادی از فردوسی یا بابک خرم‌دین و سعدی و حافظ نمی‌کنند. دروغگویی در بند بند این مسلمانان مسجدساز رخنه کرده است.

بسیار دراز از این ماده‌ی ازلی و ابدی ساخته شده است؛ آنها می‌گویند خیر جهان را با این شکل و شمایل خالقی ساخته است و معمار این ساختمان هم الله، یهوه، پدر مقدس، اهورا مزدا، خدا و... نام دارد.

پس اگر مخالفت ما با معتقدات آنان توهین است، مخالفت آنها با باور ما نیز توهین محسوب می‌شود. ولی برعکس آنان، ما هیچ نوع دگراندیشی و مخالفت با خود را توهین ارزیابی نکرده بلکه آن را از الزمات آزادی آدمی و دموکراسی می‌دانیم.

از این شماره برآینم تا با بررسی و غور در سه کتاب تورات و انجیل و قرآن که مؤلف قرآن برای اثبات کار خویش آن دورا نیز آسمانی و کلام خدا توصیف می‌کند - بدون آنکه خدا را نشان دهد - مقامشان را از معراج ملکوت توهمی پایین آورده و محتوا و مفهوم را با دلیل و منطق آنگونه که هست بنمایانیم.

به هنگام خواندن تورات و با آگاهی به متن کتاب متوجه می‌شویم که این کتاب محصول اندیشه و رویای کسانی از ملت بنی اسرائیل است که واقعی و یا تخیلی، برای قوم خود حوادثی ابداع کرده‌اند و کتاب تاریخی - بیشتر خیالی - نوشته‌اند که تکرارش بعدها به صورت سنت درآمد و در این سه هزار سال این سنت‌ها مرتب تکرار شده است. بی‌تردید، نوشتن و تصنیف تورات سالها پس از دوران موسی بوده و عبارت است از مجموعه‌ای از سفرنامه و تخیلات سست و بی‌مایه و مقداری دستور در مورد روش زندگی اجتماعی که نشان از نوع برداشت آدم‌های عهد عتیق می‌دهد. به این جهت این کتاب در عرف جامعه شناسی به تاریخ عهد عتیق مشهور و موسوم است.

آنچه در تورات آمده است، جز ده فرمان که پند و دستور زندگی برای قوم یهود است، همه حکایات و شرح ماجراها اکثراً تخیلی است و توصیف مسافرت‌های این قوم از مصر به سرزمین کنعان و اردن... و مقداری داستان اساطیری برگرفته از دیگر ملیتهای اساطیری که به نام اقوام عاد و ثمود، لوط، و طوفان نوح و غیره بیان شده و کاملاً مشخص است که نوشته‌ی کسانی است که تخیلات و ادراکاتشان را بر روی کاغذ آورده‌اند؛ و اسطوره‌ی اقوامی است که هزاران سال پیش از موسی می‌زیسته‌اند و در کتیبه‌ها حک شده است. شرح حال پیغمبران بنی اسرائیل که همه ضمن پیغمبری پادشاه نیز بوده‌اند، قسمت اعظم این کتاب را پُر کرده است. بویژه اختصاص دادن یک بخش بزرگ از تورات به «کوروش کبیر» پادشاه هخامنشی که چندین قرن پس از ظهور و ادعای رسالت موسی به دنیا آمده و پادشاهی کرده است، بی‌تردید نشان می‌دهد که تورات دست نوشته‌ی یهودیان است و برحسب نوع حوادثی که در آن چند قرن برایشان رُخ داده است، مطالب را نوشته و تنظیم کرده‌اند. اتفاقاً یهودیان نسبتاً آگاه نیز این موضوع را می‌پذیرند و معتقدند تنها «ده فرمان» کلام خداست که توسط موسی در دو لوح سنگی ابلاغ شده است و بقیه‌ی تورات، نوشته‌ی خود افراد قوم است. در تورات برحسب بینش و شعور زمان، داستان آفرینش جهان به گونه‌ای بسیار سطحی و بچه‌گانه رقم خورده است که امروز در مقایسه

نگاه انجیل به زن مانده از صفحه‌ی اول

در سراسر انجیل مسیح از معجزی به معجز دیگر می‌رود و معجز او شفا و درمان و جان بخشی است. بعد این قدرت اعجاز به یاران درجه اول او می‌رسد و اگر به انجیل شریف ترجمه فارسی، چاپ سوّم (۱۹۱۸) استناد کنیم رقم و موارد اعجاز رسولان عیسی بیش از خود عیسی است پس اگر رسولان و مأموران آن حضرت صاحب همان قدرت‌اند چه فرق است بین عیسی و دیگران؟ مگر آنکه ما به تعدد ذات ایشان معتقد شویم و به بیماری پیمبرینی دچار.

در قصه و مورد استثنائی بالا تعمق کنید. ابدأ زن شأنی ندارد. محکوم است و مجبور و از دستی بدست دیگر می‌شود.

و در قسمت آخر اگر در آن دنیا همه فرشته می‌شوند پس همه معصوم‌اند و دیگر گناه و ثواب این دنیا جایی در سرنوشت آنها ندارد یعنی ممکن است گنه کرد و فرشته شد؟ یک جای این احکام می‌لنگد که نه به عقل راست می‌آیند نه به حس.

و نیز اگر خدا خدای مُردگان نیست چه کس و کدام نیرو و به رستاخیز آنها را حیات دوباره می‌بخشد تا زنده شوند و خدا را درک کنند.

نفرین به درخت انجیر

در صفحه ۶۶ همان انجیل آمده است که صبح روز بعد وقتی عیسی به شهر برگشت گرسنه شد و در کنار جاده درخت انجیری دیده بطرف آن رفت. اما جز برگ چیزی در آن نیافت. پس آن درخت را خطاب کرده فرمود: «تو هرگز ثمر نخواهی آورد» و آن درخت در لحظه خشک شد.

عجبا! آنهمه قدرت اعجاز کجا رفت؟ چرا درخت را به ثمر نشانند؟ چرا ذات بی‌گناه درخت را نفرین کرد بجای دعا. این چه خشم بی‌دلیلی این چه نوع برافروختگی است از سر گرسنگی که منتهی شود به مرگ درختی و آرامش دهد پیمبر گرسنه‌ای را. آن درخت بی‌ثمر شود و جودش مفید محیط است اگر نیاز مسیح را برنیآورده حتماً نیاز دیگری را با برگ و چوب و سایه خود بر می‌آورد. بهر حال قدرت‌نمایی یک درخت انجیر دلیل پیمبری نمی‌تواند باشد.

نفرین به شهرها

و در همان انجیل متی شاهد نفرین‌های غلیظ آن عیسای جان بخش و درمان‌گستر به شهرهایی که دعوت او را نپذیرفته‌اند هستیم باین شرح:

«وای بر تو ای خورزین و وای بر تو ای بیت صیدا اگر معجزاتی که در شما انجام شد در صور و صیدون انجام می‌شد مدت‌ها پیش از این پلاس پوش و خاکستر نشین توبه می‌کردند. اما بدانید که روز قیامت برای صور و صیدون بیشتر قابل تحمل خواهد بود تا برای شما. و اما تو ای کَفَر ناحوم که سر به آسمان کشیده‌ای، به‌دو زخ سرنگون خواهی شد. زیرا اگر معجزاتی که در تو انجام شد در سدوم انجام می‌شد آن شهر تا به امروز باقی میماند...»

اینهمه سنگدلی برای چیست؟ عیسی کور و شلی را شفا میدهد و آرزوی نابودی سکنه شهرهای متعدد می‌کند. نفرین علامت قدرت است یا نشانه ضعف. و ضعف همه داعیان درین است که می‌خواهند همه کورکورانه دنبال آنها شوند. و این منحصر به‌مورد فوق نیست.

اطاعت یا شمشیر

در آیه ۳۴ همان کتاب مقدس می‌خوانیم:

«گمان نکنید که من آمده‌ام تا صلح به زمین بیاورم. نیامده‌ام که صلح بیاورم، بلکه شمشیر. من آمده‌ام تا در میان پسر و پدر، دختر و مادر، عروس و مادر شوهر اختلاف بیندازم. دشمنان شخص اعضای خانواده او خواهند بود.»

انصاف باید که آن حضرت در مأموریت خود موفق شده‌اند. تفرقه در بنی آدم. نفاق در نوع بشر مخصوص رسالت ایشان نیست همه فرستادگان درین راه‌اند. ولی اگر عمر ایشان بیش از ۳۱ بود چه‌ها که از ایشان یا بنام ایشان نمی‌شنیدیم. به‌رحال پیروان ایشان با اقدام به‌جنگ‌های مذهبی بین خودی‌ها و علیه دیگران و همچنین از طریق استعمار و برده‌داری و اشغال به بهانه‌های مختلف به‌آرزوی‌های ایشان صورت عمل دادند.

شقاوت ناب

در آیه ۲۷ همان کتاب می‌فرماید:

«شنیده‌اند که گفته شده «زنا نکن». من بشما می‌گویم هرگاه مردی از روی شهوت به زنی نگاه کند در دل خود زنا کرده است. پس اگر چشم راست تو باعث گمراهی شود آن را بیرون آور و دور انداز. زیرا بهتر است عضوی از بدن خود را از دست بدهی تا اینکه با تمام بدن خود به جهنم افکنده شوی...»

و البته در مورد دست و دیگر اعضا همین دستور هست.

اگر بپرسیم از خودمان که ریشه این شقاوت در چیست؟ تشخیص نوع نگاه با کیست؟ مرز شهوت و تحسین زیبایی کجاست؟ خواهیم رسید به اینکه انگلیزیسیون و تفتیش عقاید معروف در تاریخ مسیحیت ریشه در کجا دارد. و بعد تکلیف زنی که نگاهی به مرد از همان بابت‌ها اندازد چیست؟

توصیه

بیش از یکصد مورد از انحرافات درین کتاب کم‌حجم و پُرآوازه یافته‌ام که ستون‌های محدود بیداری اجازه بسط و بحث در آنها را نمی‌دهد. دهها و صدها دوست مسیحی عالم و پاک‌نیت را میشناسم که دین خود را به ارث برده‌اند مثل خود ما و درین نظرات شریک‌مانند. اینست که خوانندگان را استدعا دارم این کتابهای آسمانی را بخوانید و ما این سعادت را داریم که به روزگار ما ترجمه آنها به همه زبان، وجود دارد تا به قول مقدمه نویس نسخه‌ای که در دسترس من است از «برکات آسمانی» بهره‌مند شوید. به کجا و به کی می‌شود پناه برد جز به عقل و علم و قوانین نسبتاً خوب مدنی و اخلاقی از شر آنها که دنیا را اغفال کرده‌اند. یک فیلسوف الجزیره‌ای به نام مصطفی سرنقیه اخیراً با پاپ گفتگویی کرد در جهت تقریب ادیان. می‌نویسد در اطاق انتظار کاردینالی به او گفت این اول بار است در تاریخ واتیکان که پاپ یک متفکر مسلمان را برای انجام یک بحث بخود می‌پذیرد. آیا اینهمه مانع و رادع و دیوار و حصار تضمین‌کننده صلح جهانی است. و هرگز در نخواهید یافت پاپ رئیس دولت است یا پیشوای دینی، رجوع کنید باسناد واتیکان و قانون‌های اداری این دولت دینی و این دین بظاهر بی‌دولت.

«راز پایداری نوروز»

آخوندهای «جهان میهن» از آغاز پدید آمدن تا امروز با آیین های ایرانی، سرستیز داشته اند.

اظهار شعائر گبران حرام است، و مخالف شرع اسلام است... محمد غزالی که برای نخستین بار در تاریخ اسلام، پیشنام (لقب) حجت الاسلام به او داده شده است. در جای دیگر از همان نوشته می گوید:

«... چه، نوروز و سده، باید که مُندرس (پوسیده) شوند و کسی نام آنها را نبرد (!)»

با نگرش به اینکه بدیع الزمان همدانی، و محمد غزالی در سده چهارم و پنجم هجری می زیستند، پی می بریم که در آن روزها، آیین های ایرانی، در همه جای سرزمین پهناورمان، همانند امروز، و همانند دوران باستان، روا بوده است، که «غزالی» از بنیاد تازی اندیش، و بدیع الزمان بی میهن، چنین سخت به آنها می تازند.

این بخش از نوشته ی «محمد غزالی» در «کیمیای سعادت» در خور نگرش است که می گوید:

«... در نوروز، مُنکرات بازار، اینها یند:

بَرخَرنده (خریدار) دروغ گویند. عیب کالا پنهان دارند. ترازو و سنگ و چوب گز (اندازه گیر پارچه) راست، نادرند. در کالا غش (ناراستی) کنند. چنگ و چفانه، و صورت حیوانات فروشند. برای کودکان در عید، شمشیر و سپر چوبین فروشند. برای نوروز، از این چیزها، بعضی حرام است، و بعضی مکروه (!) اما صورت حیوان حرام است.

آنچه برای سده و نوروز فروشند، چون سپر و شمشیر چوبین و بوق سفالین (جنگفه)، اینها در نفس خود حرام نیست. اما در نوروز برای اظهار شعائر گبران (زرتشتیان) حرام است (!)، که مخالف شرع و هرچه برای آن کنند، نشاید. (!).

بلکه افراط کردن در آراستن بازار، و قطایف (پوشش های زیبا و آراسته) بسیار کردن و تکلفات نوکران برای نوروز، نشاید.

سپس این نخستین حجت الاسلام تاریخ! نوشته ی خود را چنین دنبال می کند.

«... نوروز و سده، باید مُندرس شود. و کسی از آنها یاد نکند. تا گروهی از سلف (گذشتگان) گفته اند که باید روزه داشت تا از طعام ها (ی نوروزی) خورده نیاید.

در شب سده، چراغ فرا نباید گرفت، تا اصلاً آتشی نبیند. محققان گفته اند، حتی روزه گرفتن هم، ذکر نوروز بوده، و نشاید که

این، تنها ویژه ی دیروز و امروز نیست. از هنگامی که انگلی بنام «آخوند» پیدا شد، تا امروز، و از امروز، تا هنگامی که این انگل از پیکر ملت ایران کنده شود، آخوند، با همه ی آیین های ملی، با فرهنگ ایرانی، و با اندیشه ی ایرانی سرستیز دارد. به تاریخ می نگریم، و یکی - دو نمونه از این تاریک اندیشی و دشمنی را بیرون می کشیم.

بدیع الزمان همدانی، آخوندی که در سال ۳۹۸ هجری قمری درگذشته است، به پیروان سبکسر خود چنین دستور (فتوا) می دهد. جشن سده، جشن شرک به خدا، و کفر بوده (!) و شرف و بزرگواری در نوروز و مهرگان نیست. و دست اندازی به دستورهای خداوند است (!)

امید است شمشیر اعراب بر پیشانی عجم ها (ایرانی ها) فرود آید، که چنین بیزاری و ناخوشنودی از دین ها را نداشته باشند (!) یکبار دیگر این یاوه ها را بخوانید. روشن نیست به پندار این آخوند سیاه اندیش، کجای جشن سده شرکت به خدا، و کفر است؟ این چکیده واپس گرایی، چگونه پی برده است که شرف و بزرگواری در نوروز و در مهرگان نیست و دست اندازی به دستورهای خداوند است؟! و آنگاه، گستاخی و بی شرفی را بنگرید که آرزو می کند که شمشیر تازیان بر پیشانی ایرانی ها فرود آید.

برای آگاهی بیشتر هم میهنان، فتوای این بی میهن ایران ستیز را که بزبان تازی داده است، مو به مو، در اینجا می آوریم.

«... إِنَّ عِيدَ الْوُقُودِ لِعِيدِ الْفُكِّ. وَ إِنَّ شُعَارَ النَّارِ شُرْكٌ. وَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِالسِّدِّيقِ (سده) سُلْطَانًا. وَ لَا شَرَفَ نِيرُوزًا. وَ لَا مِهْرَ جَانًا (!). وَ اغْصِبِ اللَّهُ. سُيُوفَ الْعَرَبِ. عَلَى الْفُرُوقِ الْعَجْمِ. لِمَا كَرَّهَ مِنْ أَدْيَانًا. وَ سَخَطَ مِنْ نِيرَانِهَا...»

آخوند دیگر «امام محمد غزالی» است که در سال ۵۰۵ هجری درگذشته است.

او در کتاب خود بنام «کیمیای سعادت» چنین می گوید:

... هرچه رنگ و بوی ایرانی و زرتشتی دارد، باید نابود شود (!)

انجام شود، و نام این روز، بوند، بهیج وجه، بلکه با روزهای دیگر برابر باید داشت.

همچنین شب سده. چنانکه از این شب نیز نام و نشان نماند. نیک در این نوشته‌های سبکسراوه و سراپا خشم و زشک و خشک اندیشی باریک شوید.

نخست اینکه روشن نیست که اگر فروشندگان، ناسازی و کاستی را در کالاها روا می‌دارند، گناه از نوروز نمی‌تواند باشد.

دوم آنکه چه کسی، و در کجا گفته است که خریدن رُخ پوش (نقاب) برای بازی و شادی بچه‌ها حرام است و ناروا؟

سوم اینکه نوشته‌ی غزالی نشان می‌دهد که ایرانیان مسلمان شده در آن روزگار، نه نگرشی به یاوه‌های غزالی و آخوندهای پیشتر از او را داشتند، و نه از آیین‌های خود دست برمی‌داشتند. و برای ایستادگی و پایداری در برابر تازیان، با خرید شمشیر و سپر چوبی برای فرزندان خویش به آنان، فن نبرد و ستیز در برابر بیگانگان را می‌آموختند.

چهارم آنکه، ایرانیان، بویژه در نوروز، به کودکان خود ارج می‌نهادند، و کودکان ایرانی مانند کودکان تازی نبودند که از سوی پدران شان با آنان همانند کالاهای بی‌جان رفتار شود.

پنجم آنکه، دشمنی این گروه بی‌میهن که محمد غزالی برجسته‌ترین آنها است، با نوروز، تا بدان پایه است که غزالی می‌گوید: «شمشیر و سپر و جفجغه» بخودی خود حرام و ناروا نیستند. ولی اگر آنها را در نوروز برای کودکان خود بخرید، حرام است!!

ششم: از نوشته‌ی غزالی چنین برمی‌آید که آخوندهای پیش از او، تا بدان پایه با آیین‌های نوروزی دشمنی داشتند، که گفته‌اند: روزه بگیرید تا خوراک نوروز را نیز در سال روز سال نو، نخورید!! و در شب جشن سده، چراغ روشن نکنید، تا هرگز آتشی دیده نشود! تازه، حجت‌الاسلام غزالی! از زبان پژوهشگران موهوم می‌گوید:

روزه هم نباید گرفت. زیرا همین کار، خود، یعنی یاد «نوروز» افتادن! بدینگونه خودشان در میان خود، «گاوگیجه» گرفته‌اند و نمی‌دانند چه می‌گویند.

پیش‌تر می‌آییم. سخنان خمینی و محمد منتظری (رینگو)، دوزخ مکانان پس از بهمن ۱۳۵۷ هنوز یادمان نرفته است، که «نوروز و آیین‌های ایرانی، و ملیت» را پوچ و بیهوده می‌دانستند و می‌کوشیدند مردم را از برگذاری آیین‌های ملی‌شان برکنار دارند.

از همه نزدیک‌تر، سه ماه پیش، که بوی نوروز آرام آرام در پهنه‌ی میهن ما پخش می‌شد، بازهم، یکی از همین تفاله‌ها بنام «آخوند مشکینی» رییس مجلس خبرنگان!! (که چهره‌اش به خوبی نشان می‌دهد ایرانی نژاد نیست و از تیره مغول است) در سومین نشست مجلس خبرگان چنین گفت:

«... نوروز، مزخرف، و سرشار از کثافتکاری است (!! و تاریخ شمسی چرند است. و تاریخ قمری سرشار از رحمت الهی است (!! و روزهای شریف و هفته‌های مُتبرک و ماههای پُر فضیلت (! همه در هفته‌ها و ماههای قمری است. ولی همه‌ی دارایی سال شمسی همین نوروز کثافت است (!!)...»

امروز بیش از هزار سال از مرگ بدیع‌الزمان همدانی‌ها، و محمد غزالی‌ها، و سدها سال از مرگ دیگر ایران ستیزان، و بیش از دهسال از مرگ خمینی‌ها و خمینی اندیش‌ها می‌گذرد، و هزاران چون آنها پوسیده (مدرس) شده‌اند. ولی نوروز هنوز با همان استواری پابرجا، نو، زنده، استوار و تازه است، و مندرس!! نشده، و هرگز هم مندرس! نمی‌شود.

سدها چون «مشکینی» پلید اندیش و کوتاه بین می‌آیند و می‌روند، و ایرانی آیین‌های خود را جشن می‌گیرد و پاس می‌دارد، و به یاوه‌های این تفاله‌ها، پوزخندی می‌زند.

راز پایداری ایران و ایرانی، در درازای ۱۴۰۰ سال در برابر خشک اندیشان رشکمند، و تازی‌گرای و بی‌میهن، همین دل‌بستگی ما، و چنگ زدن به آیین‌های ملی مان است.

بهمین انگیزه است که جامعه‌شناسان، به آیین‌ها و فرهنگ ایرانی می‌گویند: «فرهنگ پایداری» نوشته‌ام را با چاه‌های از حافظ پایان می‌دهم که می‌گوید:

گر بدی گفت حسودی و رفیقی رنجید

گو تو خوش باش که ما، گوش به‌احق نکنیم

پاسخ سردبیر بیداری به نوشته خانم نهضت فرنودی، بعلت تراکم نوشته‌ها فرصت چاپ پیدا نکرد.

ذو حیاتین اسلامی کیست که در برنامه تلویزیونی خود عزاداری آل عبا راه می‌اندازد، سیاهپوش می‌شود و ادای مذهب در می‌آورد و شب‌ها هم در کاباره‌ها و مهمانی‌ها تا گلو ویسکی و ودکامی نوشد.

بیداری را از کتابفروشی‌ها و فروشگاه‌های ایرانی بخواهید

اگر در «وست وود لوس آنجلس» بیداری‌گیرتان نیامد سری به کلبه‌ی کتاب در 1518 Westwood بزنید، حتماً دست خالی بر نمی‌گردید. برای تهیه هرگونه کتاب و نشریات فارسی با کلبه‌ی کتاب تلفن 310-446-6151 تماس بگیرید.

کدام ابوجهلی گفته، عقاید عمومی محترمند

هر ایرانی که خود را مسلمان بداند و اعلام کند، بر بی‌لیاقتی و ناآگاهی و بی‌شخصیتی چهارده سده‌ای خویش مهر تایید و تاکید کوبیده است.

من برای آزادی بیان و ابراز اندیشه‌ها هیچ مرز و کرانه‌ای نمی‌شناسم و آن حق مسلم را برای همگان تضمین شده‌ام و می‌خواهم، حتی برای نفی کنندگان واقعیات علمی و تاریخ، زیرا تنها در این صورت است که می‌توان ابلهان و مغرضان را شناسایی نمود...

اسلام هرگاه در موقعیت ضعف قرار داشته‌دم از تساهل و تعامل و صلح زده است و همین که خودش را قوی دیده‌فیلش یاد هندوستان جهانگشایی افتاده است.

رفتار اسلام یک رفتار سوسمارگونه است، در هیچ یک از ادیان پیش از اسلام مجازات مرگ برای نفی کنندگان رسالت پیامبر انسان در نظر گرفته نشده جز در این دین موتاژی. شرط مسلمان شدن را آسان گرفته‌اند، یک «اشهد» بگو مسلمان گشته‌ای، وای به حال و روزت اگر پشیمان شوی و بخواهی تغییر دین بدی. چرا؟ زیرا هر مسلمان یک سرباز اسلام تلقی می‌گردد، و این دین در جنگ دائمی است... الکی و از سر شکم سیری که شرط اسلام آوردن را آسان نگرفته، این بی‌دردسرتترین شیوه سربازگیری است حال اگر مسلمانی از دین محمد بیرون رود نه تنها به شمار یک تن از لشکر اسلام کاسته، بلکه به همان عدد برشمار دشمنان افزوده است...

به گمانم مقایسه نمودن دین و مذهب تحمیلی با بیماریهای جسمی و روانی چندان نابجا نباشد. درمان بیماریهای مزمن بسیار سخت است و زمان می‌گیرد، مگر اینکه عود کرده باشد، فقط در این فرصت‌های کمیاب و به ندرت تکرار شدن نیست که می‌بایست با همه نیروییمان در دفع شرشان بکوشیم. چهارده سده تحمل از ترس جسارت به عقاید عمومی کافی نیست؟ عقاید عمومی را محترم دانستن کار نابخردان معتاد به ریا ورزی است، من شخصاً برای عقاید، چه عمومی باشند یا خصوصی هیچ ارزشی قائل نیستم در برابر آنچه را که حق بدیهیات و امور مدلل میدانم، یعنی احترام را به پای باروهای پا در هوا و اوهام و خرافات نمی‌ریزم. معلوم نیست کدام ابوجهلی این سخن پوچ را سرزبان جهل پرستان انداخته که «عقاید عمومی محترمند» به ویژه برای ما مردمانی که طعم بها دادن به عقاید عمومی را بشکل آوارگی، نامحترم شدن، از هم گسستن خانواده‌هایمان، از دست رفتن زادگاه و خاطراتمان و در ماتم نشستن مرگهای دور دست عزیزانمان به تلخی چشیده و می‌چشیم.

واژه را شلیک باید کرد، قلم را همچون تفنگ بگیر و قلب خودت را نشانه رو، ترس ماشه را بچکان... نوشته‌هایی را ارزشمند و جدی می‌گیرم که هنگام خواندنشان احساس کنم نویسنده همه نیروی حیاتی خود را در آن ریخته و با صراحت ناب لحظه‌ی مرگ، بدون پروا از امکان رنجاندن کسان و ناکسان، با صمیمیت و با قاطعیت مسیر گلوله، تا آخر خط زندگی می‌رود.

نویسنده‌ای که با هر اثرش خودکشی نکرده باشد تا ققنوس و ارباب جان گیرد و آماده خودکشی و خودسوزی دیگر شود نویسنده نیست، قلمبازست، او فقط برحجم زباله‌ها و نخاله‌ها و قازورات می‌افزاید.

ای دهری سگ پدر کجانی؟! ضدّ تُفِ پاکِ انبیائی!!

ذبیح بهروز

معجزه فقط در انحصار آخوندهای حاکم بر ایران و چاه جمکران آنها نیست... آخوندهای فرنگی هم این ترفندها را بلدند و بهر صورت، وقتی دین، وسیله‌ی فریب و نیرنگ می‌شود و مردم ساده و جاهل هم به آن نیرنگها تن میدهند و شگردهای دلالان همه فن حریف این کسب و کار را باور دارند، صلیب و زُتار آنها و عمامه و تسبیح اینها، هر یک بصورتی دام میگسترانند و دانه بر می‌چینند...

مرسوم است که پاپ اعظم و دستیارانش، هر سال، خادمان خالص و مخلص مسیح را جامه‌ی تقدس می‌پوشانند و آنها را که در گذشته‌اند به عنوان «قدیس» در جایگاه معصومین متبرک قرار میدهند و بجانی می‌نشانند که، گر جمله‌ی کائنات کافر گردند، بر دامن کبریای ایشان گردی نخواهد نشست.

این مراسم، البته در حضور پاپ اعظم و از طرف او برگزار می‌شود و سابقه‌ی این خدمتگذاران پاک و منزّه که بوسیله‌ی هیئت برگزیده‌ای رسیدگی شده است، عرضه می‌گردد و وقتی صالح شناخته شدند به چنین افتخاری که جاویدانشان خواهد ساخت، دست می‌یابند.

در سال جاری نام ژان پل دوم «پاپی که چندی پیش مُرد» در صدر این سیاهه‌ی قدسین قرار داشت و حال آنکه معمولاً سالها پس از مرگ، این مقام عالی الهی و روحانی به او تعلق می‌گیرد، کلیسائیان، خوش داشتند او را که شخصیتی ممتاز بود و موجب تحولات و تغییراتی شد، به عنوان تافته‌ی جدا بافته براین مسند بنشانند... معمولاً شاهدانی را فرا میخوانند که دلایلی عرضه کنند تا یقین قاطع پیدا شود که نامزد چنین مرتبتی، شایسته‌ی این مقام هست... جمعا صد و سی نفر را خواستند و شهادتشان را در مورد حضرت پاپ ژان پل دوم شنیدند... یکی از آنها «ماری سیمون پی‌یر» راهبه‌ی چهل و پنج ساله‌ی فرانسوی بود... این خواهر مقدس، شهادت داد که معجزه‌ی پاپ ژان پل دوم، شامل حال او شده است و او، بر اثر دعای شبانه روزی و وساطت پاپ از بیماری لاعلاج پارکینسون، به دست عیسی مسیح نجات یافت!

پنج طبیب متخصص به واتیکان خوانده شدند تا از آنها نظرخواهی شود که البته براساس مقررات! نظر آنان تا وقتی که کلیسا لازم بداند محرمانه خواهد ماند!... اما یک خانم دکتر که این خواهر روحانی، بیمار او بوده است، گواهی داده است که در هفتم ژوئن ۲۰۰۵ وقتی این خانم پیش او آمد و او را سالم و تندرست دید که نه دستش می‌لرزید و نه هیچ علامت دیگری از بیماری داشته است.

می‌بخشید که فضولی می‌کنم و در یک اصل مهم دین و آئین متبرک، تردید روا میدارم... اما همه‌ی شما خوانندگان ارجمند پاپ ژان پل دوم را در آخرین ماهها، هزاران بار بر صفحه‌ی تلویزیون‌ها دیده‌اید که همه‌ی وجود مبارکش میلرزید و هزار درد بی‌درمان عصبی و مغزی تعادل زبانی و تحرک او را متزلزل کرده بود که دل سنگ به حالش میسوخت... زبانم لال، زبانم لال و خدا بگویم چکارم کند که شیطان درونم نهیب میزند که کفر بگویم! و این مثل زیبای فارسی جانم را رها نمی‌کند که: کَل اگر طبیب بودی سَز خود دوا نمودی

نکته‌هایی در باره‌ی «فرهنگ» اسلامی

دکتر احمد ایرانی

- آنچه در زیر می‌خوانید جلوه‌هایی است از «فرهنگ» اسلامی.
- ۱- نوع انسان بنده و برده‌ی خداست. باید از خدا بترسد و فقط او را بستاید.
 - ۲- نوع انسان از خود اختیاری ندارد و باید از فرمان‌های خدا و پیام‌آور او - بی‌چون و چرا - پیروی کند.
 - ۳- سرنوشت هر انسانی پیشاپیش از سوی خدا نوشته شده و خداوند هر کس را که خود بخواهد هدایت یا گمراه می‌کند.
 - ۴- پیام‌آور اسلام نماینده و جانشین خدا در روی‌گِره زمین است. دستورها و فرمان‌های او - بی‌چون و چرا - باید اجرا شوند.
 - ۵- همه‌ی دین‌های جهان - جز اسلام - نادرستند. دین‌های یهودیت و مسیحیت، گرچه خود را آسمانی می‌دانند، اما اسلام بسیار برتر از آنهاست.
 - ۶- فقط مسلمانان به بهشت می‌روند. پیروان سایر دین‌ها همگی به جهنم خواهند رفت.
 - ۷- جنس مرد برتر و داناتر از جنس زن آفریده شده است. دختران و زنان باید، بی‌چون و چرا، از مردان پیروی کنند.
 - ۸- دختران و زنان باید سراسر بدنشان را بپوشانند. زیرا مردان شهوتی و هوسبازند.
 - ۹- مردان می‌توانند چهار زن عقدی و تا آنجا که می‌توانند زن صیغه داشته باشند.
 - ۱۰- پیروان سایر دین‌ها به اسلام فرا خوانده می‌شوند. اگر نپذیرفتند کشته خواهند شد.
 - ۱۲- کشتن غیر مسلمان نه تنها جرم نیست بلکه پاداش آن جهانی هم دارد.
 - ۱۳- هنرهایی مانند نقاشی، مجسمه‌سازی، موسیقی و سرودن شعر نباید مورد توجه باشند.
 - ۱۴- خدای اسلام خدایی است جبّار، قهار، مکار، سنگدل و بی‌گذشت. خودش می‌گوید مهربان هم هست!
 - ۱۵- مردم سراسر جهان که به زبان‌های گوناگون سخن می‌گویند باید نماز را فقط به زبان عربی بخوانند.
 - ۱۶- قوم عرب قوم برگزیده‌ی خداست. فرهنگ و فلسفه‌ی اسلام جاودانی است.

اسلام ممنوع!

در کشورهای متمدن جهان - دین به‌خون تشنه‌ی اسلام باید غیرقانونی شناخته شود «مسلمانی ممنوع».

به احتمال زیاد - این رُخداد میمون پس از افتادن بمب اتمی بدست مسلمانان معتقد و متعصب، به اجرا در خواهد آمد، که البته آن هنگام خیلی دیر است تا جلوی‌ش گرفته شود.

و مطمئناً - با شل و ول بازی‌های غرب، مسلمانان تندرو بزودی دارای بمب‌های اتمی، ریز و درشت، رنگ و وارنگ، در مدل‌های گوناگون خواهند شد.

اگر این سخنان را باور نمی‌کنید و لبخند ناباوری به لبهایتان می‌نشیند، شوربختانه هنوز نیروی مخرب دین محمدی را نمی‌شناسید، اسلام این فلسفه ضد بشری و خطرناک را نمی‌شناسید و صابونش به تن شما نخورده است.

همین که انسان به یک مسلمان سد در سد معتقد تبدیل شود، تمام وجودش لبریز از شقاوت و بیرحمی و نفرت می‌شود. باید در زندانهای اسلامی، زندانی شده باشید تا درجه توحش یک مسلمان نمازخوان و روزه‌بگیر خداپرست را احساس کنید. نازیسم در برابر بیرحمی‌های مسلمانان متعصب چیزی نیست، اگر نازیسم باید ممنوع باشد، اسلام نیز در همان ردیف باید جلوگیری می‌شد و در سراسر جهان ممنوعش اعلام کرد.

نوشته یک یهودی خسته از خرافات

عید پسخ (PASSOVER) یا عید آزادی یهود

بهانه‌ای برای غارت توسط ملاها.

در دوران ۸ روزه عید پسخ، یهودیان از غذاهای مخصوص استفاده می‌کنند مثل نان فطیر و غذاهای مخصوص دیگر که قرار است ساده باشد و برای یادآوری تاریخی باشد. ولی ملاهای یهودی بقدری شاخ و برگ به آن اضافه کرده‌اند که اجرای آن برای خانواده‌های متوسط و درآمد متوسط کمرشکن است.

ملاها قوانین کاشر بودن را بسیار شدیدتر کرده و آن را که معمولاً باید فقط در مورد خوراک‌های گوشتی باشد به بسیاری از مواد خوراکی دیگر مثل نخود و لوبیا و نوشابه‌های گازدار و آجیل و... و توسعه داده‌اند و باید کاشر بودن آنها را ملاها گواهی کنند و بخاطر دستمزد کلانی که می‌گیرند و با کمک افراد سودجو قیمت مواد غذایی کاشر مخصوص این عید تا ده برابر و بیشتر بالا می‌رود بطوریکه قیمت یک تکه نان فطیر که در تنور پخته باشند از مشهورترین کیک‌ها گران‌تر است و بهمین نسبت قیمت بقیه غذاهای کاشر که توسط سوداگران به بازار می‌آید بسیار گران است بطوریکه سود سرشاری که از این گرانی سرسام‌آور و مصنوعی بدست می‌آورند برابر یکسال درآمد آنها می‌شود یعنی سود این ۸ روزه این سوداگران و ملایان همدست آنها برابر سود یکسال است یعنی ۸ روز کار می‌کنند یکسال می‌خورند.

دین نفتی اسلام با تمام شدن نفت چراغ عمرش
به خاموشی خواهد گرایید.

خدا و مرگ

علوم پزشکی و بیولوژی پیشرفته از آغاز ماجرای آمیختگی نطفه مرد و زن تا زایش و در نهایت مُردن انسان را روشن کرده است. در بعضی ممالک به دلایل گوناگون از جمله عدم رعایت بهداشت، تغذیه بد و مشکلات ویژه مانند بیماری‌های بومی، با متوسط عمر کمتری زندگی می‌کنند و می‌میرند و در عوض در ممالکی نیز به دلیل رعایت بهداشت و تغذیه خوب و کنترل سلامتی و مبارزه با امراض، مرگ و میرهای آنچنانی و زودرس از بین رفته و متوسط عمر مردمانش بالاتر از دیگران گردیده است. این‌ها همه ثمرات تلاش و کوشش خود انسان است که تا حدود زیادی جریان مرگ را به اختیار خود درآورده است. و باید گفت:

ای انسان، خدا تو را خلق نکرده است که بعد هم تو را بکشد و بمیراند. اگر تو در میانسالی و یا در دوران پیری بطور غیر عادی بمیری، طبیعی نیست، اگر در کودکی می‌میری به خاطر آنست که والدین تو رعایت بهداشت و سلامت ترا نکرده‌اند. بخاطر آنست که زن منتقل شده از آنها و یا نیاکانت بیماری ویژه‌ای داشته که در بدن تو ظهور کرده است، بخاطر آنست که پدر و مادرت مراقبت و دقت لازم را در مورد نگهداری و حفاظت جان تو انجام نداده‌اند و...

و اگر در میانسالی می‌میری برای آنست که بدن تو دچار عارضه‌ای شده که تو و اطرافیانت قادر به برطرف کردن آن عارضه نبوده‌اید، و به احتمال بسیار اگر در یک کشور پیشرفته و مترقی و غنی زندگی می‌کردی علم پزشکی پیشرفته‌تر، ترا سلامتی می‌بخشید و از فوت شدنت در عنفوان جوانی یا میانسالی جلوگیری می‌کرد. در این میان خدا هیچ نقشی و هیچ نفعی در زنده و یا مُرده بودن تو ندارد. مگر ممکن است حقایقی به این سادگی و روشنی. از دید انسان‌ها و بویژه انسان‌های تحصیل کرده و خردمند پنهان مانده باشد که مرگ انسان را بدست خدا میداند و به آن باور دارند.

البته در گذشته‌های دور مردمان به این دروغ‌ها باور نداشتند و یا پیرو عقاید گوناگونی بودند که با آمدن ادیان ابراهیمی و توحیدی از این گونه داستان‌ها زیاد شد و نسبت دادن بسیاری از دروغ‌ها به خدا فراوان گردید و در نتیجه مردمان را گیج و گمراه کردند مگر در همین سده‌های نزدیک ابن مقفع و ابن راوندی و خوارزمی و رازی و ناصر خسرو و ابن سینا و خیام و صدها و هزاران خردمند دیگر هر یک به زبانی و به شیوه‌ای در بدترین شرایط نگفتند و برملا نکردند که این سخنان همه یاره و بیهوده است، پس چرا هنوز بسیاری از انسان‌ها حتا درس خوانده‌ها و دانشگاه دیده‌ها یمان گیج و گنگ و گمراه بدنبال حرف غیر منطقی آخوندها دست به سینه می‌شوند و از رجوع کردن به خرد و مغز خود کوتاهی می‌کنند. آیا این تقصیر ملا و آخوند شیاد است و یا آنها که باید کمی فکر خود را بکار بیندازند و نمی‌اندازند.

همسر داری و برده داری در اسلام

برخی افراد بر این باورند که ایرانیان به خاطر شعار ان‌المؤمنون اخوه که عرب‌ها موقع حمله به ایران سر داده بودند، به اسلام گرویدند، چون ساسانیان کاست طبقاتی داشتند برخی هم بدون اینکه تاریخ اسلام یا قرآن را خوانده باشند، می‌گویند اسلام برده داری را از بین برده است. معلوم نیست از کجای تاریخ پُر افتخار اسلام به این نتیجه رسیده‌اند که اسلام با برده داری مخالف بوده است.

هیچ کدام از ادیانی که می‌شناسیم، چه یهودیت، چه اسلام و چه مسیحیت و حتی هندویسم با برده داری مخالفت نکرده‌اند فقط بودائیسیم است که تسلط یک انسان بر انسان دیگر را تقبیح کرده است. با خواندن منشور کورش بزرگ نیز آگاه می‌شویم که برده داری نزد ایرانیان عملی بسیار زشت و ناپسند بوده است.

اما شعار ان‌المؤمنون اخوه به معنی برابری همه انسانها نیست و اخوه به معنی برادری است و بین برادری و برابری بسیار تفاوت است. در دین اسلام نه تنها همه انسانها با هم برابر نیستند، بلکه به قول قرآن، خدا بعضی را بر بعضی دیگر برتری داده است. بین یک پیامبر با پیامبران را بر بعضی دیگر برتری داده است. مردان را بر زنان برتری داده است. زن آزاد مؤمن بر کنیز آزاد مؤمن برتری دارد و زن کنیز مؤمن بر زن مشرک برتری دارد. برده‌ای که یک صاحب دارد بر برده‌ای که چندین صاحب دارد، برتری دارد.

اما چرا عنوان نوشتار همسر داری و برده داری در اسلام است؟ پاسخ این است همسران نیز در جایگاهی چون بردگان قرار دارند. با توجه به آیه ۲۴ سوره نساء که می‌گوید.

و نکاح زنان محصنه نیز برای شما حرام شد، مگر آن زنان که متصرف و مالک شدید. بر شماست که پیرو کتاب خدا باشید و هر زنی غیر آنکه ذکر شد حلال است که به مال خود بگیرید، نه اینکه زنا کنید پس چنانچه از آنها بهره مند شوید آن حق معین که اجر آنهاست به آنان پردازید و باکی نیست بر شما که بعد از تعیین مهر هم به چیزی با هم تراضی کنید. در ادامه می‌گوید اگر توانائی ندارید که زن آزاد بگیرید، با کنیزانی که مالک شدید ازدواج کنید.

اگر عربستان و ایران نفت نداشتند و برای رُشد اسلام از کیسه خلیفه (نفت) نمی‌بخشیدند، اسلام تا کنون مُرده و یا در حال جان‌کندن و اضمحلال بود چون که این دین از محتوای ارزشمند درونی تهی است.

ورزش اندیشه

کمک‌های هم‌میهنان ایران دوست

برای ادامه انتشار بیداری

۵۰ دلار	اورنج کانتی	آقای م - ص
۳۰ دلار	فاتانا	آقای ت - الف
۵۰ دلار	رستون	آقای ن - الف
۵۰ دلار	مریلند	آقای سیامک
۸۰ دلار	مریلند	آقای الف - ت - ک
۵۰ دلار	نیوپورت بیچ	آقای م - ق
۷۵ دلار	تکزاس	آقای ع - الف
۲۰ دلار	مریلند	آقای ع - ش
۷۵ دلار	گولد ریور	آقای ب - الف
۱۰۰ دلار	اوکلاهما	آقای م - ر
۵۰ دلار	سن دیاگو	آقای سید - م
۲۰ دلار		دکتر ساموئل
۲۰ دلار	لس گاتوس	خانم گ - م
۱۵۰ دلار	نیویورک	آقای پ - ر
۴۰ دلار	تکزاس	دوست آقای ع - الف
۴۰ دلار	آلمان	آقای ایرج
۵۰ دلار	بورلی هیلز	آقای الف - الف
۵۰ دلار	مریلند	دکتر س - پ
۱۰۰ دلار	سن دیاگو	آقای ف - ه
۶۰ دلار	توسط دکتر مهرآسا	آقای ج - ب
۳۰ دلار	کانادا	سرهنگ پ
۴۰ دلار	وودلند هیلز	آقای ر - ج
۳۰ دلار	توسط (ق)	آقای جواد گل

یارانی که نام خود را نمی بینند، حتماً در چند شماره آینده خواهند دید.
نام های این لیست ماه های گذشته پرداخت کرده‌اند.

خواندنی ترین کتاب روز، از حقیقت تا واقعیت
نویسنده، روشنفکر نامدار، حسین ملک. برای
دریافت کتاب به مبلغ ۱۵ یورو با آقای شریفی در
آدرس زیر تماس بگیرید.

Sahand _ B.P. No 384

75723 Paris Cedex15

سایت آینه بیداری را در داخل ایران به فامیل و
آشنایان درون میهن معرفی کنید
<http://bidari1.blogfa.com>

● هرکس به دیگران بفهماند که چه دینی دارد، متدین نیست، متظاهر است.

● دین مالکیت نیست که انتقاد بر آن کسی را ناراحت کند.

● مشکل ما آخوند نیست، آخوند زائیده نیرنگ و چهره دو روی ما است. جعفرزاده

● مذهب و خدا عقل مردم را دزدیده‌اند. رضا گ

● استبداد دینی نتیجه حماقت و استبداد سیاسی ناشی از بی تفاوتی مردم است.

● مخوف تر از استبداد سیاسی، استبداد مذهبی است.

● علم، خدا را قبول ندارد، آخوند خدا را قبول دارد. شما طرفدار کدام این ها هستید.

● وقتی ایمان در مغزی نفوذ کرد قلب سنگی می شود. پاریس

● هرگاه ما امت مسلمان به ملت ایران تبدیل نشویم، ایران روز خوش نخواهد دید.

● می‌گویند عصا برای نابینا و دین برای کم عقل ضروری است.

● تنها مذهب‌یون جهان که دین خود را نمی شناسند مسلمان‌ها هستند.

● ملی - مذهبی ها دعای کمیل را هزار بار بر شاهنامه فردوسی ترجیح می‌دهند. م. مهرآسا

● کمتر ثروتمندی دین‌اش را عوض می‌کند، این بدبختی مربوط به گرفتاران فقر و بیسوادی است.

● لایه اوزون دین را، گرمای جانبخش دانش سوراخ کرده است و در حال دریده شدن کامل به پیش می‌رود.

● ما میراث خوار فرهنگی هستیم که نیمی از آن معدوم، نیم دیگر مخدوش و مجعول گشته است.

● آوای انسان و صدای سُم چهارپایان و فریاد شادی بدست من از شوش رخت بست. آشور بانیا

● کشور ما سالی ۴ ماه تعطیل است، اکبر و اصغر مُرده، پسر اصغر مُرده، پدر اکبر مُرده پسر حسین تیر به چیزش خورده، یکی مشک نداشته، یکی مشکش پاره شده. بهرام مشیری

پیمان زناشویی، نه عقد مذهبی

پیمان زناشویی در شکل عقد مذهبی یعنی چه؟ دین و مذهب را در امور جنسی و عشقی و دلدادگی دو انسان چکار است.

پیمان زناشویی کاری به مذهب ندارد، زناشویی را با پیمان راستی و درستی و عشق آغاز می‌کنیم نه با ریاکاری و تقیه و فریبکاریهای مذهبی، عقد مذهبی یک عمل خرافی، غیر ایرانی و نشان ناآگاهی و بی دانشی پدران و مادران است بویژه که به زبان اعراب و یا هر زبان بیگانه‌ای بجز زبان شیرین و شورانگیز فارسی بسته شود. تا یک به یک ایرانیان خود را از دامن فرهنگ بدوی و بیگانه متجاوز بیرون نکشند راه رهایی نیست.

پیمان زناشویی «ایرانی» فرزندان نازنین خود را
به یاری دکتر زرتشت آزادی برگذار کنید.
به شماره 9606-572(714) تلفن کنید.

نامه های وارده

(این همان آقا مهدی است که تازه گی ها سایت آیین بیداری را در تهران براه انداخته است. دستش درد نکند که کاری کرده کارستان)

● هر مادری مواظب بچه هایش است. هر پرنده ای مواظب جوجه هایش هست هر درنده ای مواظب توله هایش هست. چطور خدا مواظب پیامبران خودش نبود. چطور گذاشت آنها شهید شوند چطور نتوانست کاری کند که کشته نشوند آن هم باین طریق بد و ناگوار مغز یکی را سر نماز بشکافند یا آن یکی را دار بزنند (به صلیب بکشند) آن هم بآن صورت ناگوار یا خدا خدا نیست و دروغ است یا پیامبران دروغین هستند و فرستاده و از طرف خدا نیستند که نیستند. با تقدیم احترام - الف - ی

● تا آنجا که من بیداری ها را مطالعه کرده ام، هدف «بیداری» رنسانس ایران است که برخلاف تصور کسانی مانند آقایان صدرالدین الهی و مهدی قاسمی، به معنای بازگشت به دوران باستان نیست، «رنسانس» ایرانی یعنی میوه خوشگوار بذری که «بیداری» کشته است، و دیر یا زود به بار خواهد نشست
کاظم - م

● نشریه پُر محتوای بیداری - مدت ۶ ماه ایران بودم و چند شماره نشریه بیداری را با خود به ایران برده و به دوستان دادم، خیلی خوشحال شدند، متأسفانه در این سفر احساس کردم عقده، کینه و حسادت و فقر در ایران بیشتر از سال های پیش شده و ایران اکنون نفرت تاریخی را میگذراند، البته مردم مبارزه هم می کنند، تا زمانی که اینجا هستم نشریه شما را جمع آوری می کنم و به ایران می برم، یک برگ چک به مبلغ ۲۰ دلار به پیوست می باشد. ارادتمند مسافرم

● این نشریه کوچک در حال انجام دادن کارهای بزرگ است، شاید خودتان هم ندانید، کارتان را باید هرچه بیشتر گسترش دهید. آناهیتا صبری

● من یک همجنس گرای ایرانی ساکن انگلستان هستم و با نشریه شما از راه اینترنت آشنا شده ام. نکته ای را که من دریافته ام، در میان ادیان، دین اسلام تنها دین پشتیبان و مشوق کار همجنسگرایان است و باز هم متوجه شده ام در دین اسلام زن ها نه این دنیا را دارند و نه آن دنیا را، برای زن ها در بهشت مردی وجود ندارد ولی برای مردها هم زن و هم دختر باکره (حوری) آماده است و حتی برای ما همجنسگرایان هم پسر بچه (غلمان) در نظر گرفته شده است.

ولی این را نمی فهمم چرا زن ها با این دینی که ضد آنهاست خیلی هم خوبند آنها میدانند که در این دنیا اسلام آنها را نصف مرد کرده و هزار سود مادی و معنوی را از دستش گرفته، آن دنیا هم که حسابش معلوم است یک همسر و همراه برایش نیست و باید تنها زندگی کند و احتمالاً با خودش ور برود. من بدلیل همین نزدیکی بین اسلام و فترت همجنس گرایی است که خود را بیشتر مسلمان میدانم تا دینی را که تازه گیها پدر مادرم (مسیحی) انتخاب کرده اند. منصور - س

● دوستان تهیه کننده بیداری، من که از درون ایران نمی توانم بشما کمک مادی بکنم - خودم با هزار بدبختی دوازده هزار تومان جمع کرده ام تا تاریخ مشروطیت کسروی را بخرم و بخوانم - ولی سعی می کنم با بر پا کردن یک ویلاک درون ایران - تلاش های شما را به درون ایران منتقل کنم. مهدی

سئوالات امتحانی در مورد محمد که وزیر آموزش و پرورش را به استیضاح کشانید.

آفتاب: سازمان معلمان ایران روز سه شنبه با صدور اطلاعیه ای ضمن اعتراض شدید به سئوالات مطروحه در «آزمون سیره نبوی آموزش ضمن خدمت فرهنگیان» برخی از این سئوالات توهین آمیز در مورد زندگی پیامبر اسلام (ص) را منتشر کرد.

اطلاعیه می افزاید: فرهنگیان در طول یک دهه گذشته به صورت های گوناگون به وضعیت و سهم خویش از مزایای اجتماعی اعتراض نموده اند که دو مورد از آنها در سال های ۸۰ و ۸۲ به دلیل تشکیلاتی و جمعی بودن نتایجی نیز در بر داشت. و اینک آخرین آنها.

۱) رسول خدا از گوشت گوسفند کدام قسمت را دوست داشت؟
الف) ماهیچه - سردست ب) ران - سردست ج) ران - جگر د) جگر و قلوه

۲) کدام یک از گزینه های زیر از خصلت های خروس است که با خصلت پیامبر سازگار نیست؟

الف) وقت شناسی - غیرت مردانه ب) وقت شناسی - سخاوت ج) شجاعت و کثرت آمیزش با همسر د) برچیدن غذا از زمین - تند راه رفتن

۳) رسول خدا در خوردن کدامیک از موارد زیر کسی را با خود شریک نمی کرد؟

الف) غذا ب) نان جو ج) انار د) ماهیچه گوسفند

۴) رسول خدا در چه حالی اصلاً دیده نشد؟

الف) در حال مجامعت با زنان ب) در حال بول و غایت

ج) در حال خرید از بازار د) نوشیدن آب در حال نشسته

دقت فرمودید، نپرسیده مجامعت با همسر، پرسیده مجامعت با زنان، چون خوب می دانند حضرت بیماری مجامعت با زنان گوناگون را داشته است.

Thinking Point for Iranian Yout

* I don't try to imagine a personal God; it suffices to Stand in awe at the structure of the world, insofar as it allows our inadequate senses to appreciate it.

ALBERT EINSTEIN

* The great unmentionable evil at the center of our culture is monotheism- From a barbaric Bronze Age text known as the old testament, three anti-human religions have evolved-Judaism, christianity, and Islam. These are sky-god religions.

They are literally, patriarchal-God is the omnipotent Father-hence the loathing of women for 2000 years in those countries afflicted by the sky god and his earthly male delegates

GORE VIDAL

تلفن و فکس بیداری (858) 320-0013

شماره حساب بانکی در واشنگتن میوچوال شعبه شهر U.T.C

سن دیاگو 309194-5003

www.bidari.org

فکس دکتر مهرآسا (949)831-1346

در شماره 25 صفحه اخر ادرس سایت درون ایران یک اشتباه داشت . بیداری با حرف **Y** چاپ شده بود که با حرف **İ** درست است . لطفا ان را درست کنید که استفاده کننده احتمالی ان مشکل پیدا نکند.

بیداری

نشریه کانون فرهنگی خرافه زدائی

تهیه خردنامه بیداری را فراموش نکنید
(858)-320-0013

دو کتاب سودمند داستانشا و قصص قرآن - و توضیح المسائل اصلی (دست نخورده) خمینی به کوشش آقای رضا فاضلی تهیه شده است. با تلفن 818-581-7545 از آقای فاضلی بخواهید.

اسلام را با رشوه های پولی و غذایی سرپا نگه داشته اند
نه با ایمان مسلمانان.

در میان متدینین جهان، بیشترین مشروبات الکلی توسط مسلمانان مصرف می شود، بیشترین دروغ ها از زبان مسلمانان بیرون می آید و مسلمان ها بیشترین دردسر را برای گره زمین فراهم آورده اند. می پرسید چرا؟ قرآن را بخوانید.

U.S.A

San Diego CA 92192

P.O.BOX 22777

Bidari بیداری

Presorted sld
US Postage
Paid
Irvine, CA
Permit # 296